

خسارت اجتماعی کرونا

جامعه پدیا

کرونا با همه مصائبش تمام شد اما در این مدت و در کنار گزارش‌هایی که از خسارت‌های ریالی وارد به پیکره جامعه منتشر شده، صحبتی از خسارت‌های اجتماعی ناشی از این اپیدمی نشد؛ موضوعی که زهرا مهران فرد، برگزیده سوم بخش جوان علوم اقتصادي شانزدهمین جشنواره بین‌المللی علمی فارابی و به آن پرداخته است. او در گفت‌وگو با همشهری می‌گوید: کرونا حدود ۲۴۸ هزار میلیارد تومان خسارت اجتماعی در شاخص به جامعه وارد کرده که پیامدهای روحی و روانی و مشکلات خانوادگی از جمله این شاخص‌ها هستند. این پژوهشگر اقتصادی که نخستین بانوی پژوهشگری است که در حوزه اقتصادی شانزدهمین دوره جشنواره فارابی حائز رتبه شده، برای انجام این پژوهش علمی تحت عنوان ارزشگذاری اقتصادی و تبعات اجتماعی بیماری‌های همه‌گیر علاوه بر پیمایش‌های میدانی ۳۸۴ پرسشنامه را به‌صورت حضوری و کاملاً تصادفی از افراد مختلف در شهر تهران جمع‌آوری کرده است. او می‌گوید: «باندی‌ها از جمله باندی کرونا علاوه بر اینکه موجب کاهش حضور افراد در جامعه می‌شوند، باعث بروز مشکلاتی در محیط‌های خانوادگی و مشکلات روحی و روانی بین افراد می‌شوند که هزینه‌های درمان و خسارت‌های ناشی از این آسیب‌ها به‌طور مفصل در این پژوهش آمده است؛ مشکلاتی که لازم است سیاستگذاران اجتماعی از آنها آگاه باشند و نسبت به آمادگی برای مقابله با چنین شرایط مشابهی اقدام کنند.»



چالش امسال کنکوری‌ها

اصل‌وشرح

تأثیر قطعی معدل پایه یازدهم چالش این روزهای کنکوری‌هاست؛ موضوعی که داوطلبان کنکور ۱۴۰۵ را با اضطراب و سردرگمی بیشتری روبه‌رو کرده است. علتش هم افزودن حجم امتحانات نهایی (ترمیم

معدل) و در نهایت پیچیده‌تر شدن مسیر برنامهریزی، فشار آموزشی و روانی داوطلبان است. در ابتدا این تأثیر به‌صورت مثبت، لحاظ می‌شد؛ به این معنی که معدل داوطلبان در صورتی روی نمره آزمون سراسری تأثیر می‌گذاشت که باعث بهبود نتیجه یا رتبه کنکور او شود. با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی، برای کنکور ۱۴۰۲ به بعد، این تأثیر مثبت به

دردسر دانشجویان لژیونر

مدارک کسانی که مدت کوتاهی در دانشگاه‌های غیرمعتبر خارجی درس خوانده‌اند در کشور تأیید نمی‌شود

کنند؛ تا جایی که نهاد‌های علمی واکنش نشان دادند و بنا به گفته وزیر علوم به همشهری، حالا موافقی برای اجرای این نقشه به‌وجود آمده است.

ایران شود. «این وعده اگر چه کاملاً درست نبود اما باعث شد عده زیادی از داوطلبان ضعیف در مسیر رفت‌ووبرگشت، راهی کشورهای دیگر شوند و از آنجا به دانشگاه‌های داخلی راه پیدا

محمد سربابی | روزنامه‌نگار | برای چند سال روش ورود به دانشگاه‌های بزرگ کشور فقط کنکور نبود. کسانی که نمی‌توانستند در کنکور

جامعه امروز

دانشجوی خارج به داخل

بعضی دانشجویهایی که در رشته‌هایی مانند مهندسی و پزشکی یک دانشگاه معتبر ایرانی درس می‌خوانند کسانی را در کلاس درس خود می‌بینند که رتبه کنکور خیلی پایین‌تری داشته‌اند. آنها که یکی، دو سال قبل نتوانسته بودند در کنکور پذیرفته شوند، به دانشگاه



شهریه میلیاردي برای ثروتمندان

افراد متمول می‌توانند با صرف هزینه ساختار کنکور را دور بزنند تا بعد از ۲ سال فرزند خود را به یکی از دانشگاه‌های معتبر ایران بفرستند. بعضی از شرکت‌های مشاوره مهاجرت و تحصیل روی رفت‌ووبرگشت دانشجویان سرمایه‌گذاری کرده‌اند. مقصد کشورهایی مانند روسیه، اوکراین، مجارستان، اسلواکی، چک، جمهوری آذربایجان و... است که کشور هندوستان هم به اینها اضافه شده است. دانشگاه‌هایی که به زبان انگلیسی تدریس می‌کنند شهریه بیشتری می‌گیرند، اما مدارک آنها هم جنبه بین‌المللی بیشتری دارد. در روسیه تا یک سال پیش می‌شد با شهریه سالانه معادل ۹۰۰ میلیون تا یک میلیارد تومان درس خواند، اما این هزینه‌ها به یکونیم میلیارد تومان رسید. علاوه بر اینها هزینه اقامت و مخارج دیگر را هم باید به این رقم اضافه کرد. هزینه دانشگاه‌های چین و هند کمی پایین‌تر است. آذرماه امسال محمدرضا ظفرقندی، وزیر بهداشت در کرد همایی دبیران نهادهای دانشجویی مستقیماً از این روند انتقاد کرد و گفت که این کار را «عدالت» نمی‌داند و نمی‌توان سلامت خانوادها را به کسی سپرد که سطح و صلاحیت علمی ندارد. وزارت بهداشت از چند سال پیش از دانشجویهای بازگشتی آزمون «ارزشیابی» می‌گیرد. نتایج آزمون‌های ارزشیابی دانش‌آموختگان رشته‌های داروسازی و فیزیوتراپی خارج از کشور، چند روز پیش در ۲۵ بهمن منتشر شد.



نیمه‌معتبری در یک کشور نزدیک رفته‌اند و ۲ یا ۳ ترم در آن گذرانده و ۳۶ تا ۷۲ واحد درس خوانده‌اند. بعد از طرف آن کشور با گزینیهایی مانند «دانشجوی خارجی» برای دانشگاه ایرانی پذیرش گرفته‌اند و حالا در کنار داوطلبانی نشسته‌اند که با هم اختلاف رتبه کنکور زیادی داشته‌اند. بدتر اینکه تمام این روند با خرج کردن پول انجام می‌گیرد، یعنی دانشگاه خارجی بیشتر به شهریه پرداختی از طرف ایرانی‌ها توجه دارد و در مرحله دوم هم دانشگاه ایرانی، دانشجویی از خارج معرفی شده را با شهریه کلان می‌پذیرد. ادامه تحصیل این شخص که رفت‌ووبرگشتی به یک

کشور خارجی انجام داده، در کنار داوطلبانی انجام می‌شود که یکی، دو سال قبل مستقیماً از کنکور وارد دانشگاه ایرانی شده‌اند. این اتفاق در ۱۰ سال گذشته از رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی شروع شد و به رشته‌های صاحب‌نام مهندسی و مانند آنها هم رسید. در نتیجه مدتی است که ۲ هزار تنه علوم بهداشت نسبت به این مسئله واکنش نشان داده‌اند. امسال دیگر واحدهای درسی طی شده در خارج به راحتی برای ادامه تحصیل در ایران تأیید نمی‌شوند، مگر اینکه در دانشگاه معتبری گذرانده شده باشند.



پاسخ وزیر علوم به همشهری

تحصیل در خارج منعی ندارد اما فقط در دانشگاه‌های معتبر

درباره تحصیل رفت‌ووبرگشتی از وزیر علوم، تحقیقات و فناوری سؤال کردیم. حسین سیمایی‌صراف به همشهری گفت: «دانشجو آزاد است که در هر دانشگاه خارجی تحصیل کند. ما ادامه تحصیل در خارج از کشور را ممنوع نمی‌کنیم، اما نمی‌توانیم هر مدرکی را که از کشورهای دیگر می‌آورند تأیید کنیم. دانشگاه‌های دنیا با یک‌دیگر بین‌المللی استاندارد ریزی می‌شوند. اگر دانشجویی در یک دانشگاه معتبر دنیا که در نظام‌های رتبه‌بندی جهانی جایگاه مناسب دارد و معتبر شناخته می‌شود تحصیل کند و تعداد واحد مشخصی را بخواند، می‌تواند در ایران ادامه تحصیل دهد.» او با اشاره به اعلام عمومی نام این دانشگاه‌ها تأکید کرد: «اسامی این دانشگاه‌ها در سایت آموزش عالی وجود دارد، بنابراین کسی نمی‌تواند بگوید از اعتبار محل تحصیل خود بی‌اطلاع بوده است. فهرست دانشگاه‌های معتبر در سطح الف، ب و ج در سایت وجود دارد و هر سال هم به‌روز می‌شود. همه کسانی که در خارج از کشور تحصیل می‌کنند و بعد انتظار تأیید مدرک را دارند به اطلاعات کافی دسترسی دارند. کسانی که نمی‌توانند در دانشگاه‌های مورد تأیید ما پذیرش بگیرند سراغ دانشگاه‌های ضعیف می‌روند و بعد انتظار تأیید دارند. مسلم است که این کار انجام نمی‌شود.» نکته اینکه واکنش وزارت بهداشت و علوم با افزایش قیمت ارز همزمان شد. اخیراً برخی از دانشجویانی که به ایران بازگشته‌اند، اعلام کردند که به‌دلیل گران شدن ارز قادر به ادامه تحصیل خود نیستند، اما وزارت علوم همچنان تأکید دارد که بهانه افزایش قیمت دلار برای پذیرش مدارک دانشگاه‌های غیرمعتبر خارجی جسی پذیرفته نمی‌شود.

صادر کرده است. نکته عجیب داستان مربوط به هدایا و پول‌هایی بود که از سوی یکی از باشگاه‌های فوتبال و یک مدیر وقت فدراسیون فوتبال به این فرد داده شده بود؛ ...؛ قطعه سکه و یک دستگاه تویوتا لند کروز.

یکی از حاشیه‌های عجیب فوتبال کشور تبدیل شده است. ماجرا تا جایی پیش رفت که دیروز (چهارشنبه) خبری منتشر شد که دادگستری استان البرز برای فردی با عنوان «جادوگر فوتبال» حکم ۵ سال حبس

تا یک دهه پیش وقتی صحبت از جادوگرهای فوتبال می‌شد، کمتر کسی واقعیت حضور افرادی با چنین عنوانی در دنیای فوتبال را باور می‌کرد اما حالا چند سالی می‌شود که استفاده از رمل و جادو در فوتبال، به

پدیده عجیب جادوگر فوتبال



گزارش

خانه ۴۰ ساله قصه‌ها

درباره کتابفروشی فعال در یک خانه قدیمی که بعد از ۴۰ سال، هنوز پاتوق کتاب دوستان است

سحر جعفریان عصر | روزنامه‌نگار | نیازی به تبلیغ و ویرتین‌های آنچنانی برای رونق کارش ندارد. بعد از ۴۰ سال حالا همه او را می‌شناسند؛ به‌ویژه آنها که با کتاب رفیق هستند و گشت وگذار در کتابفروشی‌های شهر را دوست دارند. برای همه آنها، نشانی کتابفروشی عمو عبدالمطلب که وسط خانه‌ای قدیمی بی‌هیچ دکور و تزئینی خاص جای دارد، سر راست است. کافی است خود را به تقاطع خیابان‌های طالقانی و حافظ در پایتخت برسانند. همان جاست که خوش‌نمایی خانه‌ای آجری لایه‌لای ساختمان‌های بلند و کوتاه اداری به چشم‌شان می‌آید. کتابفروشی عبدالمطلب بیژنی حتی برای عابران آن حوالی که گاهی شبکه‌های مجازی را بالا و پایین می‌کنند نیز آشناس؛ «این همان خانه قدیمی کتاب است... بین میز چوبی جلوی درش را... بین کتاب‌های چیده شده روی پله‌های ورودی‌اش را...» پایین پله‌ها از هر طرف ستون‌هایی از کتاب‌های روی هم چیده شده بالا رفته است. بعضی ستون‌ها

گزارش

به سقف نمور و چرک رسیده‌اند و بعضی دیگر تا نیمه دیوار قد کشیده‌اند. ستون کتاب‌ها هر روز از فروش یا انبار کتاب‌ها، بلند و کوتاه می‌شوند. درهم هستند؛ رمان‌های کلاسیک میان مجله‌های تاریخی یا فلسفی، کتاب‌های مذهبی بین افست‌شده‌های روانشناسی. جای‌شان را فقط خود عمو عبدالمطلب می‌داند که صبح تا غروب لایه‌لای ستون‌های کتاب در آمد و شد است. سال‌هاست که کتابفروشی او برای مشتریان به پاتوقی دوست‌داشتنی تبدیل شده و برای آنها که پیش‌تر قدم به آن نگذاشته بودند نیز کشفی مهیج محسوب می‌شود؛ کشفی توأمان با این حس و حال متفاوت که نمی‌دانند در حال لذت‌بردن از تماشای خانه‌ای قدیمی هستند یا کیفیور از حضور در یک کتابفروشی عجیب.

کتاب از اصل تأسیس

آخرین اتاق سمت چپ راهرو که پنجره‌ای بزرگ با شیشه‌های رنگی رو به حیاط دارد، محل استراحت عبدالمطلب است که اگر سرش شلوغ نباشد، پیچ رادیو ترانزیستوری‌اش را می‌پیچاند و گوشه‌ای از آن می‌نشیند به صبحانه و ناهار یا عصرانه خوردن. اتاق خیر و برکت‌داری است که گاهی هم مهمانخانه می‌شود و آشنایی که از راه می‌رسد میانش جا می‌گیرد. حتی گاهی وقت‌ها انباری کتاب‌های سفارش است و جای سوزن انداختن ندارد. باز صدای مشتری می‌آید. «عمو جان، سفارش ما چی شد؟» عبدالمطلب از لایه‌لای ستون‌های کوتاه و بلند کتاب‌ها سر می‌کشد تا مشتری‌ای را که از صدا نتناخته با چشم ببیند و خاطرش بیاید: «بهیه، آقا جمال... پله آمده است.» بعد جلد یازدهم تاریخ تمدن ویل دورانت را از بوفه‌ای چوبی و شیشه شکسته بیرون می‌آورد. «بعد ما بالاخره برایت پیدا کردم. تازه به قیمت کمتر.» مشتری انگاز که گنج خسته باشد: «دمت گرم عمو! کلکسیونم تکمیل شد.» طیف مشتری‌های این کتابفروشی متفاوت، گوناگون است که عمو عبدالمطلب از همگی‌شان خاطره‌هایی دارد «هشتری‌هایی از قدیم، از همان ۴۰ سال پیش مشتری‌هایی دارم که کتاب نمی‌خوانند! آنها برای اجاره روزانه ۴۰ سال پیش مشتری‌هایی دارم که کتاب نمی‌خوانند! آنها برای اجاره روزانه قیمت کتاب‌های دست‌دوم را براساس اهمیت کتاب، تعداد صفحات، نویسنده و ناشر تعیین می‌کنند؛ از ۱۵۰ تا حدود ۴۰۰ هزار تومان.

و ناگهان کتاب و کتابفروشی کلنگی

تجربه شغل‌های متعددی را از سر گذرانده؛ کارگری‌های ساده تا نقشه‌کشی ساختمان اما دست آخر شد کتابفروش. حدود ۴۰ سال پیش بود که سر از خانه‌ای قدیمی حوالی تقاطع خیابان‌های طالقانی و حافظ در آورد. ساختمان خانه، جنوبی است. بعد از گذر از در ورودی و اتاق‌هایی کوچک در اطراف دالانی باریک، حیاطی با آجرهای کهنه و حوضی در میان، پیداست: «شدم نگهبان این ساختمان. کمی که گذشت ۳۰۴ اتاق آن را از کتاب‌های نو و دست‌دوم برای فروش پر کردم.» از همان روزهای نخست کتابفروشی‌اش باخور خوبی داشت: «بیشتر آدم‌های این دور و بر، کارمند و دانشجو هستند، برای همین بازار کتاب گرم است...» خاک چند جلد از کتاب‌های دم‌دستی را با سراسر استین چپ لباسش می‌گیرد و ادامه می‌دهد: «از این گذشته، متفاوت بودن فضای کتابفروشی و این خانه قدیمی هم دلیل مضاعفی شده تا کسب‌وکارم از رونق نیفتد... و گر نه که با وجود این همه کتابفروشی شیک و کتابفروش جوان و خوش‌سر و زبان چرا باید مشتری‌ها بیایند سراغ من بپرمد بی‌حوصله، آن هم وسط یک کتابفروشی کلنگی؟!» پوست‌های کهنه سینه‌کش بعضی دیوارهای خالی از قاب و تابلو، به زور چسب یا پونزهایی که و معوج آویزان مانده‌اند. عبدالمطلب با مازیک کنار بعضی از پوست‌ها یا روی در، عبارت «دوربین مدار بسته موجود است» را نیز نوشته: «از شما چه پنهان که آدم نااهل هم بین کتابخوان‌ها کم نیست.» صدای مشتری از راهرو او را فرا می‌خواند: «عمو، خوشه‌های خشم رو چند حساب می‌کنی؟»

